



ششمین گردهمایی ارائه یافته‌های تحقیقات مطبوعات

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

یک سو بازتاب رویدادهای تاریخی است که در حیات قرون گذشته آن روی داده و از سوی دیگر تحت تأثیر فشارهای سیاسی و اجتماعی داخل، توقعات مخاطبان و تلاش منابع قدرت برای دستیابی و اعمال نفوذ بر آنهاست.

وی با اشاره به تئوری‌های شش‌گانه هنجاری رسانه‌ها افزود: نخستین مطالعه درباره وضعیت تئوری هنجاری حاکم بر مطبوعات ایران در سال ۱۳۷۳ انجام و طی آن از طریق تحلیل محتوای گفته‌های

دکترای اقتصاد دانشگاه تهران خلاصه تحقیق «جایگاه مطبوعات در سبب مصرفی خاتوارهای ایرانی» را بیان کردند.

انتقاد در مطبوعات ۷۸

دکتر مهدی محسنیان‌راد که به همراه یک تیم پژوهشی، تحقیق وضعیت انتقاد در مطبوعات ۷۸ را انجام داده است در ابتدای ارائه گزارش نتایج این تحقیق اظهار داشت: وضعیت امروز مطبوعات ایران همچون مطبوعات هر کشور دیگری، از

ششمین گردهمایی ارائه یافته‌های تحقیقات مطبوعات از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، اسفند سال گذشته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.

در این گردهمایی دکتر مهدی محسنیان‌راد پژوهشگر و استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی خلاصه تحقیق «انتقاد در مطبوعات ۷۸» و دکتر الیاس نادران استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و گیلدا عبدلی دانشجویی

دولتمردان ایران سهم هریک از شش تئوری مذکور مشخص شد.

دکتر محسنیان راد گفت: تحقیق حاضر بررسی وضعیت انتقاد در مطبوعات ۷۸ براساس همان شیوه سال ۷۳ است و شاید کم سابقه باشد که بتوان یک مطالعه را پس از مدت زمانی مجدداً تکرار و تفاوت‌ها و تحولات پیش‌آمده را بررسی کرد.

محقق علوم ارتباطات اضافه کرد: شهریور ۱۳۷۸ در شرایطی که میز روزنامه‌ها آنقدر وسیع و متعدد شده بود، فکر نمی‌کردم که در سال ۷۹ هنگام ارائه گزارش تحقیق، بسیاری از روزنامه‌ها توقیف شده باشد.

دکتر محسنیان راد سپس نتایج این تحقیق در زمینه بررسی گفته‌های دولتمردان ایران طی ۲۱ سال گذشته براساس تئوری‌های هنجاری حاکم بر مطبوعات را به شرح زیر بیان کرد:

– ۳۱/۷ درصد گویه‌های دولتمردان ایران طی ۲۱ سال گذشته متمایل به تئوری رسانه‌های مسلکی (شوروی سابق) بوده است. در این تئوری، مطبوعات موظف به ایدئولوگ کردن توده‌ها و بسیج‌گری آنان هستند. براساس این تئوری، خط قرمزهایی برای روزنامه‌نگاران وجود دارد که اغلب منشأ مسلکی داشته و عبور از آن، مجازات به همراه دارد.

– ۲۷/۸ درصد گویه‌های دولتمردان ایران (رهبری، رئیس‌جمهور، تمامی اعضای کابینه، تمامی نمایندگان مجلس و...) متمایل به تئوری مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها بوده است. این تئوری اگر چه مالکیت خصوصی رسانه‌ها را کاملاً مشروع می‌داند اما معتقد است که پیام آفرینان مطبوعات بیش از مسئولیت در قبال سهامداران رسانه‌ها یا مخاطبان، در قبال جامعه مسئولیت دارند.

– ۱۸/۴ درصد گویه‌های دولتمردان ایران طی ۲۱ سال گذشته حاوی طرفداری از تئوری آزادی رسانه‌ها بوده است. این

تئوری براین باور است که روزنامه‌نگار و حکومت توافق دارند که اظهار عقیده آزاد و علنی، بهترین راه رسیدن به حقیقت و کشف خطاست. این نظریه برای تخصص حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری اهمیت قایل است و انتقاد در آن آزاد، اما با حفظ پاسداری از حریم خصوصی افراد و با احساس مسئولیت در برابر قوانینی که تا حد امکان غیر بازدارنده است، انجام می‌شود.

– ۸/۹ درصد گویه‌های ۲۱ سال گذشته دولتمردان مشابه هنجارهای تئوری رسانه‌های توسعه یافته است. این تئوری معتقد به مقابله با وابستگی، سلطه خارجی و اقتدار مستبدانه داخلی است و در تلاش برای استفاده مثبت از رسانه‌ها به منظور توسعه ملی، حاکمیت ملی، هویت فرهنگی و مشارکت دموکراتیک عمومی است از اصول مهم این نظریه، حق برقراری ارتباط است.

– ۷ درصد از گویه‌های دولتمردان ایران سایه‌هایی از تئوری مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها را داشته است. این تئوری معتقد به ناکارایی نظام‌های دموکراتیک پارلمانی و نگران شکل‌گیری سازمان‌های رسانه‌های بزرگ، قدرتمند و متخصص در بخش خصوصی و یا بوروکراتیک و پدرسالار در بخش دولتی است. تلاش این تئوری، برقراری حق به‌کارگیری ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای در مقیاس‌های کوچک برای تعامل اجتماعی و حق حفظ منافع گروه‌های کوچک و خرده فرهنگ‌هاست.

– ۶/۲ درصد گویه‌های دولتمردان ایرانی طی ۲۱ سال گذشته متمایل به تئوری اقتدارگرا بوده است. مدافعان این تئوری معتقدند که روزنامه‌نگار باید مطیع عوامل حکومت بوده و فاقد استقلال حرفه‌ای باشد. مخاطبان نیز باید خواننده، شنونده و بیننده چیزهایی باشند که حکومت صلاح بداند و انتقاد نیز باید تابع همین وضع باشد.

دکتر محسنیان راد با بیان این که مهم‌ترین عامل تفکیک تئوری‌های هنجاری فوق درجه آزادی مطبوعات در آنهاست، افزود: پیشینه رابطه دولت، ملت در ایران، بستری مناسب برای نقادی حکومت و حضور نخبگان در مطبوعات نبوده است. بررسی ۱۶۲ ساله تاریخ مطبوعات ایران حاکی از آن است که فقط در ۳ درصد از این مدت، مطبوعات از آزادی همراه با تکثر برخوردار بوده و ۹۷ درصد بقیه، روزگار دیگری داشته‌اند که در این تحقیق به صورت ۱۱ دوره متمایز از آنها یاد شده است که عبارتند از:

۱. عصر مطبوعاتی دولتی؛
۲. مطبوعات آزاد و فحاش؛
۳. مطبوعات در خفقان؛
۴. مطبوعات آزاد و خودسانسور؛
۵. عصر دوم مطبوعات در خفقان؛
۶. مطبوعات حزبی آزاد و فحاش؛
۷. مطبوعات خشتی و غرب‌زده؛
۸. مطبوعات متکثر آزاد (همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی)؛
۹. مطبوعات پرده‌پوش، مداح و بسیج‌گر؛
۱۰. مطبوعات متعدد خودسانسور؛
۱۱. مطبوعات متکثر آزاد با کارکرد حزبی (طی سال‌های ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۸).

پژوهشگر علوم ارتباطات با بیان این که دولتمردان ایران طی ۲۱ سال گذشته عملاً از مطبوعات و روزنامه‌نگاران رضایت چندانی نداشته‌اند، افزود: طی ۲۱ سال گذشته، دولتمردان ایران ۱/۵ برابر مقداری که از مطبوعات اعلام رضایت کرده‌اند، نارضایتی خود را بروز داده‌اند.

وی همچنین با اشاره به این که طی ۲۱ سال گذشته، دولتمردان ایران سه برابر اعلام نارضایتی خود، برای مطبوعات و روزنامه‌نگاران «باید و نباید» تعیین کرده‌اند، اظهار داشت: تحلیل بایدها و نبایدهای مذکور حاکی از آن است که مطلوب‌ترین تئوری هنجاری آنان در ۲۱

سال گذشته که در برگیرنده حدود ۳۲ درصد گویه‌هاست، تئوری نسبتاً جدیدی است که تا حدودی مشابه تئوری مسلکی مطرح شده در ادبیات علوم ارتباطات است.

وی اضافه کرد: بررسی گویه‌های طرفداران این تئوری حاکی از آن است که باور دولتمردان از عملکرد رسانه‌ها، باوری با کارکرد تزیینی است و معتقدند که رسانه‌ها باید در تلاش ایدئولوگ کردن جامعه، آموزش و اطلاع‌رسانی همراه با انگیزاندن و بسیجگری باشند. معتقدان به این تئوری اعمال سانسور و مجازات پس از انتشار را صحیح دانسته و برای مالکیت رسانه‌ها، شروطی قایلند که خودی بودن مالک، شرط نخست آن است.

به گفته وی، اگر ۲۱ سال گذشته را به دو مقطع ۱۶ سال اول و ۵ سال بعدی تقسیم کنیم، خواهیم دید که در پنج سال اخیر (از سال ۱۳۷۳ الی ۱۳۷۸) تئوری مسلکی رتبه اولی خود را به تئوری مسئولیت اجتماعی داده و تئوری آزادی رسانه‌ها، کماکان در رتبه سوم باقی مانده است. همچنین در دوره ریاست‌جمهوری آقای خاتمی که بخشی از پنج سال اخیر را تشکیل می‌دهد، اگر چه از سهم تئوری مسلکی باز هم کاسته شده و بر سهم تئوری مسئولیت اجتماعی و آزادی رسانه‌ها افزوده شده اما، بر سهم دولتمردانی که با شفافیت از حکومت تئوری هنجاری اقتدارگرا و دیکتاتور بر مطبوعات جانبداری کرده‌اند نیز افزوده شده است.

وی تصریح کرد: نتایج این تحقیق با بررسی تنوع عقیده و حتی سلیقه دولتمردان روشن می‌کند که چگونه دولتمردان ایران با هر درجه از تحصیلات، تجربه و تخصص به خود اجازه می‌دهند که در یکی از حوزه‌های پیچیده علوم اجتماعی یعنی علوم ارتباطات به انواع نظریه‌پردازی دست زده و روزنامه‌نگار ایرانی کم‌تجربه در شرایط تکثر و آزادی را

بیش از پیش سردرگم کنند. این مشکل اساسی که طی ۲۱ سال گذشته با آن مواجه بوده‌ایم، محصول این وضعیت، اتفاقاتی است که در ماه‌های نخست سال ۷۹ رخ داد و طی آن بسیاری از نشریاتی که مطالب انتقادی آنها ماخذ این تحقیق قرار گرفت، تعطیل شده و عده‌ای از روزنامه‌نگاران آنها نیز قبل از محاکمه به زندان افتادند.

استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی سپس با ارائه این تعریف از انتقاد که «پیامی است معطوف به ارائه جنبه‌های منفی و معایب پدیده‌ها، رویدادها، موضوعات، اندیشه‌ها، و... به طور کلی تمامی مسائل اجتماعی و انسانی» و با بیان این که هسته‌های اولیه حضور انتقاد در مطبوعات ایران، جنبه‌هایی از تخریب را همراه داشته است، گفت: سوای مخرب یا غیرمخرب بودن انتقاد، تحقیق سال ۱۳۷۳ نشان داد که می‌توان از طریق تحلیل محتوای مطبوعات جامعه در حال گذری چون ایران، انتقادها را به دو دسته دیگر نیز تقسیم کرد: دسته اول که محصول مشروع دانستن خط قرمزهای سیاسی، مسلکی و از این قبیل بوده و به معلول‌ها پرداخته و حاوی گله و شکایت از مقوله‌هایی چون شلوغی ترافیک، چاله‌های آسفالت خیابان‌ها و... است را می‌توان «نق» یا انتقادهای غیرحساس نامید.

دسته دوم که به جای توجه به معلول، به علت می‌پردازد و از دیواره‌های خودسانسوری عبور کرده و ترس از منابع قدرت را کنار زده، «نقد» یا انتقاد حساس نام‌گذارد. براین اساس، نتایج تحلیل محتوای مطبوعات در سال ۷۸ حاکی از آن است که ۳۹/۹ درصد انتقادات از نوع حساس بوده که این نسبت به ۱۰ برابر سال ۱۳۷۳ رسیده است. از سوی دیگر سهم نق و نقد مخرب در سال ۱۳۷۸ سه برابر سال ۱۳۷۳ بوده است.

دکتر محسنیان‌راد اضافه کرد: براساس

نتایج این تحقیق در سال ۱۳۷۸ انتقاد از مطبوعات و روزنامه‌نگاران دیگر با سهمی معادل ۱۷ درصد در رتبه اول نشانگاه‌ها قرار گرفت به گونه‌ای که می‌توان آن را به مثابه یک جنگ گسترده مطبوعاتی دانست. دو نشانگاه پر انتقاد دیگر در سال ۷۸، احزاب و گروه‌های سیاسی شناخته شده و دولت به طور کلی بوده است.

وی همچنین با بیان این که در بخشی از این تحقیق، نشریات سیاسی و خبری که سه چهارم مطالب انتقادی را منتشر کرده‌اند، به دو دسته نشریات تهران و شهرستان‌ها تقسیم شده است، گفت: نشریات سیاسی و خبری تهران بیش از شهرستان‌ها به نقد حکومت، روزنامه‌نگاران و مطبوعات و قوه قضاییه پرداخته‌اند.

جایگاه انتقاد در روزنامه‌ها

براساس گرایش آنها به جناح‌های سیاسی نتایج این تحقیق براساس دسته‌بندی نشریات سیاسی خبری تهران به سه دسته

۱. دوم خردادی؛ ۲. جناح راست ۳. سایر نشان می‌دهد که: — نشریات دوم خردادی بیش از بقیه، مطالب انتقادی داشته‌اند. به طوری که ۱۹ درصد سطح زیر چاپ آنها را این‌گونه مطالب تشکیل می‌دهد. ضمن آن که سهم انتقادها بسیار حساس آنها به مراتب بیش از دو گروه دیگر بوده است. آنها بیش از دو گروه دیگر، افراد را مورد انتقاد قرار داده و بیش از بقیه، عملکردهای خاص را انتقاد می‌کرده‌اند. در مطبوعات دوم خردادی، انتقادها متکی بر ایدئولوژی غیردینی بیش از دو گروه دیگر بوده است. آنها بیش از دو گروه دیگر، مطالب انتقادی نشریات دیگر را نقل کرده و انتقاد در قالب طنز تصویری بیشتری را چاپ کرده‌اند. همچنین انتقادها مخرب آنها کمتر از جناح راست و بیشتر از گروه

سایر بوده و کمتر از بقیه، انتقادهای رو به خارج، داشته‌اند. نشریات سیاسی خبری دوم خرداد همچنین بیش از دو گروه دیگر منتقد قوه قضاییه و قوه مقننه - به ویژه شورای نگهبان - صداوسیما و گروه‌های سیاسی بدون شناسنامه - از جمله نیروهای فشار - بوده‌اند.

- در نشریات سیاسی خبری جناح راست، سهم مطالب انتقادی متکی بر دین، مذهب و ایدئولوژی دینی بیشتر از دو گروه دیگر بوده است.

داوری کدگذاران این تحقیق حاکی از آن است که آنان کمتر از دو گروه دیگر، به انگیزه پاسداری از منافع عموم، انتقاد کرده و بیش از بقیه، انتقادهای نومیدساز و همچنین انتقادهای با زبان فحاشی یا شبه فحاشی چاپ کرده و در نتیجه سهم انتقادهای مخرب آنان بیش از دو گروه دیگر بوده است. در این نشریات، سهم انتقاد در قالب طنز مکتوب بیش از دو گروه دیگر بوده و آنها بیش از بقیه، منتقد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مطبوعات و روزنامه‌نگاران جناح مقابل بوده‌اند.

سال ۷۸، سالی بی‌نظیر در تاریخ مطبوعات

دکتر محسنیان‌راد در نتیجه‌گیری کلی از تحقیق انتقاد در مطبوعات ۷۸ اظهار داشت: تمامی آنچه که از مطبوعات سال ۷۸ گفته شد، حاکی از آن است که آن سال، سالی بود که در تاریخ مطبوعات ایران نظیر نداشت. سال ۷۹ نیز سال کم‌نظیری بود. تعطیلی هم‌زمان بسیاری از روزنامه‌های پرتیراژ کم سن، تعیین وثیقه‌های سنگین برای روزنامه‌نگاران متهم و اعزام عده‌ای از آنان به زندان نشان داد که یک‌بار دیگر در جدلی نابرابر میان حکومت و مطبوعات، رفتاری بروز کرد که مشمول تعریف استفن هیوز جامعه‌شناس مینی براین که «یک انتقاد غیرمخرب در اثر عکس‌العمل مخرب

نشانگاه انتقاد، تبدیل به انتقاد مخرب می‌شود و بالعکس» شد و ثابت کرد که عمل نشانگاه انتقاد نیز می‌تواند منتج به دیوار سنگی شود.

وی از مطبوعات ۱۳۷۸، به عنوان مطبوعاتی متکثر و آزاد اما با کارکرد احزاب، بسیار منتقدتر از سابق و به وضوح معتقد به نقد به جای نق معمول در مطبوعات خودسانسور قبلی، یاد کرد و گفت: مطبوعات در سال ۷۸ توانستند برای اولین بار در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وارد عرصه موضوعات بسیار حساس شوند. البته برخی از آنها بیش از بقیه سبب شدند که سهم انتقادهای مخرب در مطبوعات ایران ۳ برابر پنج سال پیش شود.

پژوهشگر علوم ارتباطات با بیان این که قرائت‌های مختلف مراجع قانونی از قانون طی سال‌های ۷۸ و ۷۹ نمود بیشتری یافت، گفت: ظاهر امر می‌گوید در تمامی ادوار تاریخی از جمله سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، آن که بیشترین آسیب را می‌بیند. روزنامه‌نگاران و حرفه روزنامه‌نگاری است در حالی که آسیب واقعی را مخاطبان مطبوعات یا به عبارت دیگر، جامعه می‌بیند. زیرا، فشارهای از این دست سبب توسعه خودسانسوری و در نتیجه منجر به به کاهش تدریجی اعتبار مطبوعات خواهد شد.

به گفته دکتر محسنیان‌راد اکنون که برای اولین بار سهم دولتمردانی که به حاکمیت تئوری هنجاری مسؤولیت اجتماعی بیش از تئوری‌های دیگر شده، ضرورت دارد به جای عمل نظارت بر مطبوعات که پیشینه‌ای از دوران قاجار دارد، از شیوه‌ای چون مراقبت استفاده شود.

استاد علوم ارتباطات با استناد به آیه‌های ۱۴۸ سوره نسا، ۱۶ سوره اسراء، ۵۹ سوره قصص و ۱۱۷ سوره هود و تحلیلی مینی بر این که در یک نظام اسلامی، هرگاه ظلمی دیده شد باید در

رسانه‌ها منعکس شود و رسانه‌ها باید ابزار ارزیابی عملکرد حکومت اسلامی و مرکزی برای ارائه نظرات مشورتی مردم باشد، در پایان سخنان خود تصریح کرد: در شرایط توسعه سریع تکنولوژی ارتباطات برون‌مرزی که برای آغاز هزاره سوم پیش‌بینی شده و ورود قطعی رسانه‌های ایران به رقابت با رسانه‌های قدرتمند بیگانه، روزنامه‌نگاری ایران که به شدت دچار ضعف تخصص بوده و در سال‌های اخیر نیز با خرسندی از آن که کارکرد احزاب را نیز به عهده گرفته، اما در عمل ابزار جدل‌های سیاسی شده و یک فرصت طلایی را برای عبور از عصر استبداد از دست داده است، ضرورت دارد که از تمامی تدابیر به منظور دستیابی به اعتبار منبع، سود جوید و تبدیل به روزنامه‌نگار توانا، متخصص و با اعتبار در چشم مخاطبان شود تا بتواند از فضاهای غیراستبدادی که باید در انتظار آن بود، در راستای رسالت خود که مهم‌ترین آن نقادی غیرمخرب است، بیشترین بهره‌برداری را برای جامعه معاصر بنماید.

پرسش و پاسخ:

دکتر محسنیان‌راد در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که مطالب انتقادی درباره مقام رهبری و رئیس‌جمهوری به چه میزان بوده است، گفت: سهم انتقاد از مقام رهبری در سال ۷۸ به مراتب کمتر از رئیس‌جمهوری بوده است اما نسبت به سال ۷۳، این یک اتفاق نو بود.

وی همچنین درباره عکس‌العمل مسؤولان نسبت به انتقادهای مطرح شده گفت: ما باید دو کار را یاد بگیریم اول این که انتقاد کردن را از مدارس شروع کنیم و از اقتدار درس و معلم بکاهیم، دوم این که باید یاد بگیریم که چگونه در مقابل انتقاد عکس‌العمل مفید انجام دهیم. ما در زمینه انتقاد کردن و چگونگی عکس‌العمل در قبال انتقاد، گرفتار یک مشکل فرهنگی هستیم. □